



با در نظر گرفتن این اصل که سینما و فیلم بایستی یک اعجاز و شگفتی در خودش داشته باشند، امروزه اشکال و مسأله مهمی که در مورد سینمای رایج و کنونی ایران دیده می‌شود، آشکار و موضوعی گل درشت است. فیلم‌های ایرانی یک سری ویژگی‌های مشترک پیدا کرده‌اند. البته شاید هر از مدتی از روی اتفاقات تک فیلمی متفاوت هم داشته باشیم؛ ولی فضای کلی سینما این است که فیلم‌ها شباهت‌هایی به هم پیدا کرده‌اند؛ هم به لحاظ موضوعی و هم به لحاظ سبک.

موضوعات اجتماعی امروزه در سینما خیلی بزرگ است و تولیدات سال‌های اخیر سینما، تنوع ژانری و نوعی ندارند. در نتیجه اغلب فیلمسازان و کارگردانان به ویژه فیلم اولی‌ها و کم‌تجربه‌ترها به سراغ موضوع‌های تکراری رفته‌اند. به همین دلیل فیلم‌های سینمایی ما همه مضمون زده هستند و می‌خواهند پیامی بدهند و یا به نکت‌های اشاره کنند و معمولاً همه موضوع و مضمونی با ساختاری تکراری دارند.

فیلم‌های تولیدی سال‌های اخیر سینمای کشورمان به لحاظ گزینش و انتخاب موضوع و مضمون‌های انتخابی و نیز روز هر سه ساله تعدادی فیلمساز تازه کار (فیلم اولی) که وارد این عرصه می‌شوند به نوعی تکراری و شبیه به هم شده‌اند؛ دلیل هم این است که هر گاه فیلمی با موضوعی نو مورد استقبال مخاطبان قرار می‌گیرد و مطرح می‌شود و یا جایزه می‌گیرد و یا در اکران فروش خوبی دارد با همین رویکرد فیلمسازان است که سال بعد می‌بینیم، در میان آثار تولیدی، تعداد زیادی از فیلم‌ها به دلیل سوزده، مضمون، ساختار و قصه شباهتی کامل با آن فیلم دارند و فقط به لحاظ انتخاب بازیگران و فضاهای تعریف شده در فیلمنامه با هم متفاوتند.

البته این موضوع انتخاب صرفاً مختص فیلمسازان تازه‌کار نمی‌شود و گاه دیده شده که حتی فیلمسازان شناخته‌تر شده هم از این فاکتور استفاده کرده‌اند. یعنی شیوه‌ای امتحان شده برای جذب مخاطب بیشتر، البته این موضوع در میان فیلمسازان جوان به دلیل اینکه می‌خواهند خیلی زود هم خود و هم فیلمشان مورد توجه قرار بگیرند؛ بیشتر رایج است.

اما آنچه قابل توجه و سؤال است این است که مگر می‌شود یک موضوع و مضمون خاص که بارها به فیلم تبدیل شده است خاصیت جذب مخاطب داشته باشد؟ و یا اینکه آیا موضوع و مضمونی یکسان با قصه‌ای مشابه می‌تواند در دست کارگردانی متفاوت به فیلمی خوب و با کیفیت و قابل جذب مخاطب تبدیل شود؟

طبعاً و اصولاً چنین نیست. به واسطه همین تکرار است که می‌بینیم بسیاری از فیلم‌های تولیدی سینمای ایران دو سه روز بیشتر در اکران‌های محدود و گسترده روی پرده نماندند!

چه بسیار خوب و شایسته است فیلمسازان برای آغاز و با ادامه فیلمسازی خود تلاش کنند، قصه‌ها و فیلمنامه‌هایی بر اساس موضوع و مضمون‌های نو طراحی و به فیلم تبدیل کنند.

موضوع جنگ تحمیلی و حاشیه‌های آن از جمله موضوع‌های دستمالی شده و تکراری است که طی سالیان دراز از زاویه دیدهای متفاوت به فیلم تبدیل شده‌اند؛ اما اصولاً این گروه فیلم‌ها به جز یکی دو فیلم هرگز نتوانستند به صورت حقیقی به این موضوع که یکی از حساس‌ترین دوران تاریخی معاصر کشورمان است بپردازند و به تصویر بکشند و ادای دین کنند.

مریم دوستی کارگردان فیلم «دریاچه ماهی» ۱۳۹۵ هم یکی از فیلمسازان فیلم نخستنی به حساب می‌آید؛ که بر اساس سوزده جنگ و حاشیه آن نخستین فیلم خود را ساخته است. با اینکه دوستی را نمی‌توان به عنوان یک فیلمساز صرفاً بدون تجربه به حساب آورد اما او در شرایطی روی به فیلمسازی و کارگردانی آورده که به لحاظ علمی و عملی دارای تجربه و پشتوانه‌ای کلاسیک قابل بحث بوده است.

مریم دوستی برای اهالی سینما و به ویژه فعالان در عرصه فیلم کوتاه و دانشجویان رشته سینما، نام آشنایی است. او که فارغ‌التحصیل سینما از دانشگاه هنر سوئد و استاد این رشته در دانشگاه‌های ایران است قبل و بعد از تحصیل در این رشته با ساخت نزدیک به سی فیلم کوتاه نخواست بدون تجربه عملی به فعالیت آموزشی در زمینه فیلمسازی بپردازد؛ و به قول معروف نخواست عالم بدون عمل باشد و صرفاً استادی مجهز به تئوری‌های سینمایی باشد.

دوستی که سابقه ساخت فیلم‌های کوتاه زیادی را داشته، فعالیتش را در سینمای ایران قبل از ساختن نخستین فیلم سینمایی‌اش به عنوان چهره‌پرداز در فیلم «سرود تولد» آغاز کرد و در قدم بعدی فیلم‌هایی چون «مانا»، «دیو» «دلبر»، «رویین در باد» و «چاده شهریار» به عنوان طراح چهره‌پردازی حضور داشته است؛ دوستی سال گذشته برای برداشتن نخستین گام در ساخت فیلم بلند سراغ فیلمنامه‌ای با مضمون دفاع مقدس رفت. رویکردی که در نگاه نخست کمی عجیب به نظر می‌آید؛ آن هم برای اینکه یک فیلمساز زن فیلم

«دریاچه ماهی» روایتی دیگر از یک واقعه حکایت ایمان، قداست و ضعف‌های انسانی

معصومه دهقان پیشه



نخستی بخواد نخستین فیلمش را در ژانری بسازد که شرایط تولید راحتی ندارد و در مقابل حساسیت‌های عجیب و غریبی به غیر از سختی‌های کار قرار می‌گیرد، خود به خود پرسش‌برانگیز است. دوستی خود در مورد این شرایط عجیب و غریب در یک مصاحبه چنین گفته است: «یاد با این پرسش روبه‌رو می‌شوم و برابم عجیب است. ژانری که قاعدتاً (ژانر فیلم‌های جنگی) باید کار کردن در آن راحت باشد، دارد سرنوشتی مشابه فیلم‌های کودک پیدا می‌کند. من این فیلمنامه را نوشته‌ام ولی با ادبیات جنگ آشنا هستم. دو فیلمنامه و یک نمایشنامه در این حوزه نوشته‌ام.»

دوستی از برخورد‌هایی که در مسیر ساخت این فیلم دیده، متعجب است و چنین گفته: «برخورد‌ها طوری بود که انگار کسانی دوست نداشتند در این حوزه زیاد کار شود... راحت‌تر بگویم آدم‌هایی که فکر می‌کردم بنا به شرح وظایف‌شان از بچه‌های فیلمسازان و کارگردانان) فعال در این عرصه حمایت کنند برخورد متفاوتی دارند!» به همین دلیل متقدم کار کردن با بچه‌ها و فیلم ساختن در این شرایط واقعاً دست مریزاد دارد.»

در مقابل این شرایط پیش تولید عجیب و غریب دوستی با تهیه‌کننده‌ای چون سعید سعدی که تهیه‌کننده‌ای آشنا به کار است و سرمایه‌گذارانی چون بنیاد سینمایی فارابی و شرکت سینمایی فدک فیلم، همکاری خوبی داشته‌اند و شرایط راحتی را برای اجرای فیلمنامه فراهم کرده‌اند؛ روبه‌رو بوده است. دوستی خود در مصاحبه‌ای چنین نظری داشته است: «آقای سعدی واقعاً به این کار علاقه داشتند و شرایط خوبی را مهیا کردند. قصه طوری بود که تنوع فضا و لوکیشن داشت. خوشبختانه تا حد زیادی می‌دانستم چه می‌خواهم؛ و بچه‌ها هم آن قدر درگیر کار نشده بودند که پیشنهادهای راهگشایی بدهند. مجموع این شرایط تولید فیلم را در چهل جلسه شدنی کرد.»

عنوان فیلم «دریاچه ماهی» از نام یکی از مناطق عملیاتی در شلمچه و عملیات کربلای ۵ گرفته شده است. در این عملیات تعداد زیادی از رزمندگان غواص به شهادت رسیدند. البته در این موضوع چند فیلم دیگر هم چون «اشنگول» ساخته شده‌اند که با زاویه دیدی دیگر به این موضوع پرداخته بودند که آن هم به نوعی دیگر حساسیت برانگیز شده است.

شاید یکی از عواملی که باعث حساسیت نسبت به ساختن فیلم در مورد این موضوع به وجود آمده پنهان بودن چگونگی واقعه‌هایی مربوط به این رخداد باشد که ساختن فیلم درباره آن برای برخی از دست‌اندرکاران را حساسیت برانگیز کرده است.

فیلمنامه «دریاچه ماهی» را مصطفی رستگاری نوشته است. این فیلمنامه‌نویس آخرین فیلمنامه‌ای را که نوشته فیلمنامه فیلم «چهل سالگی» بوده است. رستگاری در دریاچه ماهی نگاه متفاوتی به جنگ و موضوع مورد بحث در فیلمنامه داشته است و با رویکرد نقد اجتماعی و سیاسی امروزی و فاصله سی ساله از عملیات کربلای ۵ این فیلمنامه را نوشته است. موضوع و مضمون فیلمنامه دفاع مقدسی (جنگ و حاشیه جنگ) است.

قلیش برای جوانان این آب و خاک و آرمان‌های هم‌زمان گذشته می‌تبد و نگران محو شدن کامل آن پیام‌ها است. و از سوی دیگر همچون گذشته نمی‌تواند چشم آگاهی خود را بر روی کجروی‌ها و خط کشیدن بر روی آن آرمان‌ها ببیند.

روایت قصه زندگی این رزمنده آرمانگرا (رضا) روایت قصه زندگی مرد تنها و گمنامی است که افکارهای آرمانگرایانه‌اش برای آدم‌های امروزی خوانشی آرمانگرایانه است که از دل شعار زدگی بیرون می‌آید؛ اما واقعیت در این نکته است که رضا هم در میان نسل خودش و هم در میان مردمان و نسل امروزی تنها مانده است. او تنها است چرا که نور افکار و پیام‌های او با اینکه در دل تاریکی‌ها چشم‌ها را خیره می‌کنند و به خود می‌خوانند، اما این کجروی‌ها و ناملایمات این فضا و تاریکی چنان گسترده‌ای دارد که نور هدایت او توان مقابله با آن را ندارد!

ساختار کلی دریاچه ماهی با اینکه بر اساس روایت تصویری بنا گذاشته شده اما وجود دیالوگ‌های بسیاری هم با این تصویرها ترکیب شده‌اند که تا حدودی فیلم را شمارزده کرده است و اگر میان روایت تصویری و کلامی تعادلی برقرار می‌شد ساختار کلی فیلم لطمه نمی‌دید.

«دریاچه ماهی» را به لحاظ ساختاری و بیان سینمایی نمی‌توان فیلمی خالی از مشکل و کمبود به حساب آورد و با وجود قوت‌های موضوعی و مضمونی در معرض برخی از شخصیت‌ها و تعادل در پرداخت آنها دچار ضعف‌های آشکاری است. تعدادی از کاراکترها و شخصیت‌های فرعی هیچ تأثیری در ساختار کلی قصه نداشته‌اند؛ و با کنار گذاشتن آنها، قصه هیچ لطمه‌ای نمی‌دید؛ بلکه به جای آن می‌شد برروی شخصیت‌های اصلی تمرکز بیشتری داشت.

گسترده‌ی شخصیت‌های اصلی و فرعی باعث شده ساختار دراماتیک در قسمت‌هایی از فیلم دچار چند پارگی شود. کارگردانی و ساخت فیلم معناگرا و عرفانی پیش نیازهایی را از سوی عوامل، اعم از فیلمنامه‌نویس، کارگردان و گروه تولیدی را می‌طلبد از جمله خلوص عقیده و نیست پاک به اضافه توانایی‌های فنی و علمی. گذشته از این پیش نیازها، فیلمساز باید این آگاهی را داشته باشد که در زمان انتخاب و پرداختن به موضوع و مضمون‌هایی که

تربیتی متفاوت و از زاویه‌های دیگر از شهدای هنوز بر جای مانده کانال ماهی دارد. قصه این فیلم نگاهی به وقایع جنگ و حاشیه‌های پس از جنگ داشته است و داستان چند خانواده را روایت می‌کند که در نقطه مشترکی به یکدیگر می‌رسند و در این میان عشق گمشده‌ای پیدا می‌شود.

ساختار کلی فیلم و قصه آن بر بستری سورتال طراحی شده، اما در بسیاری از پلان‌ها و سکانس‌ها به واقعیت هم ارجاع شده است.

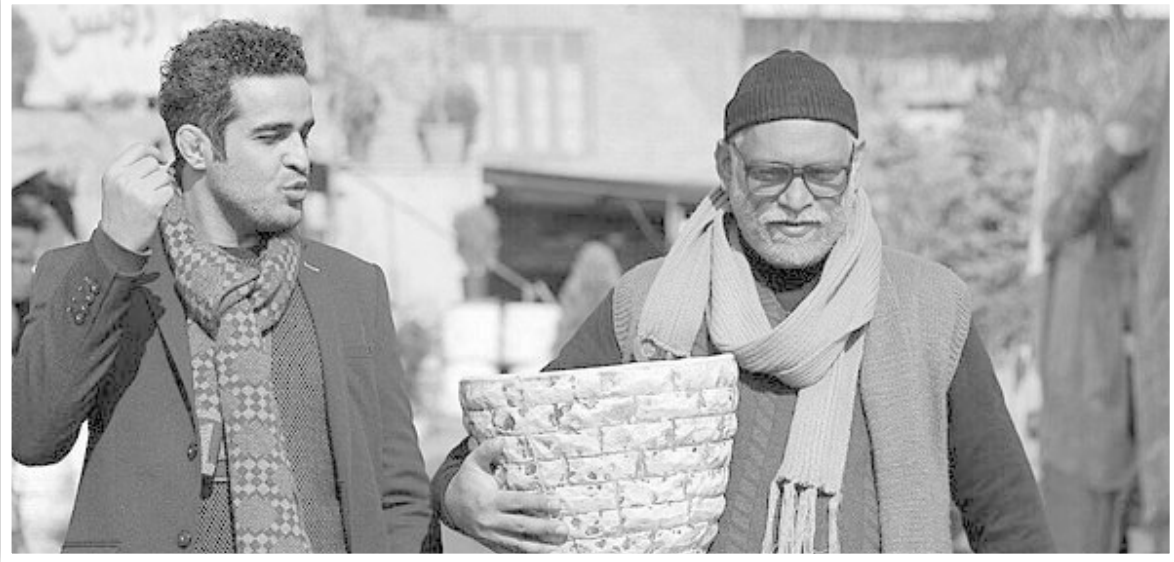
قصه سورتال «دریاچه ماهی» با تصویرسازی و روایت تصویری از شخصیت‌های اصلی که محوریت قصه فیلم بر اساس محوریت آن طراحی شده در دو دوره زمانی دفاع مقدس و زمان جنگ و حال امروزی است. این نوع رویکرد در روایت خود ریسک بزرگی برای کارگردانی یک فیلم نخستنی بوده است. این رویکرد در نوع روایت از یک سو برای فیلمساز زن آن هم در مورد موضوع جنگ می‌تواند ارزشمند باشد البته اگر به طور کامل این رویکرد به ثمر نرسد؛ چرا که در صورت عدم موفقیت کامل این رویکرد، با توجه به اینکه در مورد یک موضوع و موقعیت جنگی و دفاع مقدسی بوده است به تهایی می‌تواند حساسیت‌های محتوایی و پیامی را از دیدگاه منتقدان و مسئولان دست‌اندر کار سینمایی ایجاد کند.

شخصیت اول فیلم رضا درویش رزمنده‌ای است که دارای روحی انسانی است که از ذات ناشی می‌شود و اگر بخواهیم از دیدگاهی تقدس‌مآبانه به آن نگاه کنیم. آگاهی و بصیرتی دارد که از خداوند و از عالم دیگر در نهاد او گذاشته شده است تا بتواند به رسالتش عمل کند و پاسدار حرمت خون شهدا و پیام‌رسان آرمان‌ها و افکار روح پاک و هدف الهی آنها به جامعه و جوانان و مسئولانی باشد که فاصله‌ی زیاد و قابل توجهی از آن نیات و پیام‌ها و تفکرات و ایمان آن رزمندگان گرفته است. هر چند هم‌زمانش در

جبهه جنگ به محتوای افکار و عقاید و گفتارهای او که ریشه‌ای الهی داشته ایمان و اعتقادی قلبی داشتند، اما در دوران و زمان سیاست زده امروزی که رضا در آن زندگی می‌کند و رسالتی که او را برای حفظ آرمان همان

شهادی رزمنده حفظ کرده است تا در برابر کج‌روی‌ها و انحرافات و ناملایمات سیاسی و اجتماعی زمانه امروزی از نسلی حفاظت کند؛ هر چند که از آن آرمان‌ها و پیام‌ها به دور مانده‌اند و اما هنوز به آن دل‌بسته‌اند و اعتقاد دارند و سرنوشت‌شان را به دست آن باورها سپرده‌اند.

رضا درویش در زمان امروزی چون دوران جنگ همان راه و رسم و شیوه الهی و معنوی خود را دارد. چرا که با آن خلق و خو به رستگاری رسیده است؛ و زندگی‌اش را بر اساس همان عقاید و افکار بنا گذاشته است. تفاوت او با آدم‌های ریاکار متزور در همین است که او هرگز برای رسیدن به منافع فردی و دنیوی خود آن افکار و پیام‌های مقدس را زیر پا نگذاشته است. اما او در زمانه و دورانی زندگی می‌کند که امثال او بسیار نادرند و او باید بیشتر در رؤیاهایش به دنبال امثال خود بگردد. او که به لحاظ فکری و روحی و آرمانی تنها مانده فقط با رؤیای همسر از دست رفته‌اش زمان می‌گذراند و



سیامک اطلسی:

خودم را دوبلور می‌دانم تا بازیگر

بازیگری. البته در فیلم‌ها و سریال‌های زیادی بازیگری کرده‌ام. در بیش از ۷۰ فیلم سینمایی کار کرده‌ام و سه فیلم را نیز کارگردانی کرده‌ام، در حال حاضر نیز فیلمنامه‌هایی در دست نگارش دارم اما هنوز خبری از ساخت آن‌ها نیست و باید سرمایه‌گذار داشته باشیم. در شرایط فعلی ساخت یک فیلم سینمایی بیش از یک میلیارد هزینه می‌برد و خیلی سخت سرمایه‌گذار پیدا می‌شود. الان کارگردانان معروفی بیکارند و شرایط برای ساخت آثار سینمایی برایشان مساعد نیست.

است، چندین فیلم و سریال خریداری شده که اغلب آن‌ها کره‌ای و چینی هستند. این کارها هم اینک در حال دوبله است. اطلسی کیفیت آثاری که در شرایط فعلی برای تلویزیون دوبله می‌شوند را بی‌ارتباط با بودجه ندانست و گفت: وضعیت دوبله به بودجه برمی‌گردد. برای خرید فیلم و سریال‌های خوب، باید بودجه خوبی هم بدهند. امیدواریم مساله بودجه حل شود.

این بازیگر در پایان گفت: خود را وفادار به گویندگی و عضو انجمن گویندگان می‌دانم تا

اطلسی همچنین از حضور در سریال بهرام بهرامیان خبر داد و اینکه هنوز نقاشش در این مجموعه آغاز نشده است.

وی درباره وضعیت دوبله نیز اظهار کرد: پیش از این آثار کمتری برای دوبله وجود داشت اما کم‌کم فیلم‌ها و مستندهایی برای دوبله خریداری شده است و در حال حاضر وضع بد نیست. این روزها با آقای قنبری یک سریال خارجی را که موضوع فضایی دارد، کار می‌کنم. همچنین در فیلم خارجی با اکبر منانی همکاری دارم. ضمن اینکه مشغول کار در یک سریال کره‌ای به مدیریتولازی زهره شکوفنده هستم.

این گوینده پیشکسوت درباره آثاری که برای دوبله و پخش از تلویزیون خریداری شده‌اند، یادآور شد: به جهت اینکه ایام نوروز نزدیک

ایست؛ سیامک اطلسی که هم در عرصه گویندگی فعالیت داشته و هم بازیگری، بیشتر تمایل دارد خودش را عضو انجمن گویندگان معرفی کند و به گویندگی وفادار است. این هنرمند قدیمی درباره فعالیت‌های این روزهایش در عرصه گویندگی، دوبله و همچنین حضور در سریال‌های تلویزیونی، سخن گفته است.

سیامک اطلسی از ایفای نقش در سریال «هست و نیست» به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده خبر داد و گفت: در این سریال یکی، دو قسمت بیشتر حضور نداشته‌ام و آن هم مربوط به فلاش‌بک‌های این سریال است؛ البته در قسمت‌های ابتدایی سریال نقش من پررنگ است اما در ادامه این شخصیت بیشتر در فلاش‌بک‌ها حضور خواهد داشت.

